

بررسی دو گفتمان اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان و تاثیر آن بر روابط ایران و اروپا

رحمت حاجی مینه^۱ - اکرم صالحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۲

چکیده:

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون کشورهای اروپایی علاقمند به برقراری روابط و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی ایران بوده‌اند هر چند در طول دهه‌های گذشته روابط طرفین فراز و نشیب‌های گوناگون اعم از خصمانه یا دوستانه را پشت سر گذاشته است اما نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا در مبادلات جهانی و منطقه‌ای می‌تواند زمینه مناسبی را برای گسترش همکاری و همگرایی بین دو طرف فراهم آورد. می‌توان گفت اتحادیه اروپا تنها سازمان بین‌الدولی در سطح جهان است که رابطه با آن به اندازه رابطه با دولت‌های عضو آن سازمان دارای اهمیت است. در طول این مدت دولت‌های مختلف ایران براساس گفتمان‌های واقع‌بینانه و آرمان‌گرایانه جهت‌گیری سیاست خارجی خود را با اتحادیه اروپا تنظیم کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های اصلی در سیاست خارجی ایران تلاش مداوم برای ایجاد توازن بین قدرت‌های بزرگ و یا همکاری با یکی در مقابل دیگری بوده است. از این رو این پژوهش در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که گفتمان‌های سیاست خارجی اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان چه تأثیری بر روابط ایران و اتحادیه اروپا داشته است؟ در پرتوی تحلیل گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان منشاء بیشتر اختلافات ایران و اروپا پرونده هسته‌ای ایران بوده است اما با تغییر فضای گفتمانی در ایران اغلب کشورهای اروپایی به برداشت جدیدی مبتنی بر همکاری متقابل دست یافته‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، گفتمان، ایران، اتحادیه اروپا، اصول‌گرایان، اعتدال‌گرایان

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

hajrahmat@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران (نویسنده مسئول)

asalehi82@yahoo.com

مقدمه

روابط ایران و اروپا به ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی بدین سو همواره از فراز و نشیب زیادی برخوردار بوده است که عمدتاً از تحولات درونی و ساختار داخلی کشور ریشه می‌گیرد. اگر چه سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی و انعکاسی از آن در نظام بین‌الملل دانسته‌اند ولی شاید بتوان به جرأت گفت که این پیوستگی بیش از سایر کشورها در مورد جمهوری اسلامی ایران صادق می‌باشد. در حقیقت سیاست خارجی، پل ارتباط میان دو محیط داخلی و محیط بین‌الملل را می‌سازد، بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه بین‌الملل، در ارتباط با سایر دولتها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی است. به عبارتی هر دولتی، داده‌های سیاست خارجی خود را در جهتی تنظیم می‌نماید که سرانجام، خواستها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه مدت و یا بلند مدت، تامین گردد.

ساختار جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا تاثیر اساسی بر روابط کشورهای عضو جامعه اروپا با دیگر کشورهای جهان بر جای نهاده است. گر چه در ظاهر اتحادیه اروپا مجموعه‌ای از کشورهای مختلف است اما با توجه به قوانین بسیار پیچیده، مفصل و غیر قابل انعطاف آن در حقیقت به مثابه یک سازمان بین‌المللی عمل می‌نماید. اهمیت این تغییر برای کشورها اساسی می‌باشد. بدین صورت که کشورها در تنظیم روابط خارجی خود در سطح اروپا دیگر با یک کشور مواجه نبوده بلکه با نهادی منطقه‌ای روبرو شده‌اند. امکان تنظیم مؤثر روابط دو جانبه با کشورهای عضو اتحادیه اروپا عملاً کاهش یافته و روابط با آنها نیز باید در چارچوب اتحادیه تعریف شود، چرا که یکایک کشورهای عضو، قبل از عضویت تمامی قوانین و مقررات اتحادیه اروپا را پذیرفته‌اند. با توجه به اینکه اتحادیه اروپا ساختارهای سیاست خارجی و امنیت مشترک نیز ایجاد کرده است، کارایی رفتارهای اتحادیه در ارتباط با کشورهای جهان بر این اساس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. (عباسی اشلقی، ۱۳۸۸، ۲۳۷)

همانگونه که تجربیات تاریخی حکایت دارند جهت‌گیری سال‌های گذشته ایران در توسعه روابط با کشورهای اروپایی نتایج رضایت‌بخشی به همراه نداشته است و دوره‌های بسیار دشواری را در ارتباط خود با کشورهای اروپا پشت سر نهاده است. حمایت اروپا از صدام در جنگ علیه ایران به صورت علنی و فراگیر و سپس قضایای همانند: ماجرای سلمان‌رشدی و دادگاه

میکونوس، تروریسم، حقوق بشر، صلح خاورمیانه، سلاح‌های کشتار جمعی و انرژی هسته‌ای و تعیین این مسایل به عنوان چارچوب مناسبات متقابل، که روند آن طی سال‌های اخیر شدت یافته است همه از شیوه جدید سیاست خارجی کشورهای اروپایی حکایت دارند.

در حقیقت با شروع بحث پرونده هسته‌ای و متعاقب آن به قدرت رسیدن اصولگرایان در ایران دوران سردی روابط طرفین آغاز شد که تا سال ۱۳۹۲ نیز ادامه داشت. با به قدرت رسیدن حسن روحانی در ایران و اتخاذ سیاست خارجی جدید رویکردهای جدیدی در مناسبات اروپا و ایران آغاز شد. تاکید بر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط و تلاش برای تعامل سازنده و متقابل با جهان خارج از جمله مباحث محوری روحانی در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور بود. این سخنان و برنامه‌ها مورد توجه کشورهای خارجی نیز قرار گرفت و شکل‌گیری نوعی نگاه جدید از سوی دولت‌های خارجی نسبت به ایران را به دنبال داشت.

اولین بازخورد این نگاه جدید را می‌توان در استقبال مقامات کشورهای مختلف از ریاست جمهوری حسن روحانی و حضور سران و مقامات حدود ۶۱ کشور جهان در مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری ایران مشاهده کرده در این میان نگاه اروپا به ایران در دولت یازدهم با توجه به جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین‌الملل و تاثیرگذاری آنها در موضوعات مهم جهانی از جمله پرونده هسته‌ای ایران حائز اهمیت است.

در این راستا ایران و اتحادیه اروپا به علت قرار گرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه استراتژیک هستند، اما جایگاه اتحادیه در نظام بین‌المللی و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه تقویت شده با اتحادیه اروپایی به وجود می‌آورد. (قائم پناه، ۱۳۹۵، ۱۲۸)

از این رو سوال اصلی که مطرح می‌شود این است گفتمان‌های سیاست خارجی اصولگرایان و اعتدال‌گرایان چه تاثیری بر روابط ایران و اتحادیه اروپا داشته است؟ و هدف اصلی این تحقیق فهم این روابط در پرتوی تحلیل گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایان و اعتدال‌گرایان می‌باشد. این فراز و فرودها را نمی‌توان با ارجاع به نظرات جریان اصلی روابط بین‌الملل توضیح داد. زیرا اگر از منظری رئالیستی به این روابط بنگریم ایران می‌تواند بایست برای کاهش تهدیدات امنیتی خود وارد روابط مداوم و مستمر با غرب می‌شد. اگر از

منظری لیبرال تحلیل را پیش ببریم منافع اقتصادی ایران ایجاب می‌کرد که وارد تعاملات دوجانبه و مداوم با غرب و اروپا شود. از منظری نئورئالیستی نیز ایران جهت حفظ بقاء خود و کاهش تهدیدات امنیتی باید ملزومات ساختاری را در نظر گرفته و سیاست همراهی با کشورهای قدرتمند را پیش می‌گرفت. اما چنان که شاهد بوده‌ایم جمهوری اسلامی ایران همواره روابط سینوسی با اروپا داشته است.

از این رو روش پژوهش در این نوشتار تلفیقی از تحلیل گفتمانی و شیوه توصیف و تبیین اطلاعات خواهد بود. فهم عناصر شناختی موثر بر رفتارها از طریق تحلیل گفتمانی سیاست گذاران میسر می‌باشد و درک تاثیرات عینی این عناصر انتزاعی بر جهان عینی، بدون درک درست واقعیات بیرونی امکان پذیر نیست. بنابراین توصیف و تبیین واقعیات مادی در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا مکملی برای تحلیل گفتمان حاکم بر سیاست‌های کلان خواهد بود.

در این راستا محدوده زمانی مورد بحث در نوشتار حاضر از شروع دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تا پایان دور اول ریاست جمهوری حسن روحانی می‌باشد. همچنین تاکید بر اتحادیه اروپا مشتمل بر ۲۷ عضو و جمهوری اسلامی ایران، محدوده مکانی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند.

دیدگاه‌های نظری گفتمان و سیاست خارجی

تحلیل دیدگاه‌ها و نظرات در ارتباط با بحث اختلافات بین ایران و اروپا در دوران گفتمان-های سیاست خارجی اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان، ریشه در مباحثی چون گفتمان، سیاست خارجی، اختلافات بین ایران و اروپا، دوران اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان و در نهایت پرونده هسته‌ای ایران، دارد.



شکل ۱: مدل نظری دیدگاه‌ها و تحلیل‌های اختلافات بین ایران و اروپا

به طور کلی اغلب وقتی حرف از گفتمان می‌شود، یاد متن یا سخنرانی می‌افتیم اما گفتمان، هر سیستم سازمان‌دهی شده از معناست: یعنی سیستم‌های معنادار در جوامع بشری (احمدرش، ۱۳۸۸: ۱). گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست و مفصل‌بندی نیز فرآیندی است که به واسطه آن نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند. (هوراث، ۱۳۷۷: ۱۶۳) به عبارتی مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه گفتمان دارد. عناصر متفاوتی که شاید جدا از هم بی‌مفهوم باشند، هنگامی که در قالب گفتمان جمع می‌شوند هویت جدیدی به دست می‌آورند. لاکلاو و موفه برای ربط دادن این عناصر به یکدیگر از مفهوم مفصل‌بندی استفاده می‌کنند. مفصل‌بندی به گردآوری عناصر گوناگون و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد. (howarth,2000.121) هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی یک گفتمان موفق می‌شود که با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول‌های مد نظر خود را به دال‌های گفتمانش نزدیک کند یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هرچند به طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. در این میان دال مرکزی نشانه ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال، دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آنها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد.

لاکلاو و موفه دال‌های دیگری را که حول دال مرکزی گرد می‌آیند "وقته" می‌نامند. یک وقته تا پیش از مفصل‌بندی شدن در گفتمان در حوزه گفتمان‌گویی قرار دارد و عنصر نامیده می‌شود. از یک وقته یا دال مرکزی تحت عنوان "دال شناور" یاد می‌شود؛ دال شناور دالی است که در حقیقت مدلول آن شناور است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول به آن، با هم رقابت می‌کنند. (barrent,1991.54)

در نظریه گفتمان سعی می‌شود با تلاش برای فهم تمام معانی و زوایای الگوهای هویتی، هر مؤلفه و عنصری در چارچوب گسترده‌تر هویتی که به آن معنا بخشیده است، مورد توجه قرار گیرد. (اشرف نظری، ۱۳۸۷: ۳۱) از اینرو نظریه گفتمان لاکلاو و موفه که مهم‌ترین نظریه گفتمانی در حوزه علوم سیاسی تلقی می‌شود کاربرد مناسبی یافته است. آنان نظریه گفتمان را در حوزه فلسفه سیاسی و علوم بسط داده و کارآمدتر ساختند (laclau & mouffc,1985.109) و معتقدند هر چیز و فعالیتی برای معنادار شدن باید بخشی از یک گفتمان خاص تلقی شود. (خوش‌روزاده، ۱۳۸۵: ۱)

بدین ترتیب اولین قدم برای تحلیل سیاسی در چارچوب این نظریه، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با هم رابطه‌ای غیریت‌سازانه برقرار کرده‌اند. گفتمان‌ها همواره به واسطه دشمن هویت پیدا می‌کنند و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. وجود گفتمانی که مطلقاً به تنهایی بر جامعه‌ای حاکم باشد بر اساس این نظریه امکان‌پذیر نیست و هرگز نمی‌توان سیر تحول یک گفتمان با نظام معنایی آن را مورد بررسی قرار داد مگر آنکه در مقابل یک دشمن قرار گیرد. بنابراین برای بررسی ساختار نظام معنایی یک گفتمان باید آن را در مقابل ساختار نظام معنایی گفتمان رقیبش قرار داد و نقاط درگیری و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۶۰)

به عبارت دیگر گفتمان سیاسی فراهم آورنده نوعی چارچوب و بستری است که در حریم آن، سیاست خارجی یک کشور، مأوی گزیده و معنا می‌یابد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۳) در حقیقت سیاست خارجی عبارت است از راهبردهایی که تیم تصمیم‌گیرندگان حکومتی طرح ریزی می‌کنند تا در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی به اهدافی معین دست یابند.

(plano, 1988, 6) بر این اساس چارچوب معنایی که سیاست خارجی در آن شکل می‌گیرد، تکوین آن از راه زبان ممکن است. (Iersen, 1997, 125)

گفتمان‌ها مبنایی را به وجود می‌آورند که طی آن اولویت‌های سیاسی، منافع و هدف‌ها ساخته می‌شوند؛ یعنی سیاست خارجی از دیدگاه تصمیم‌گیرندگان و بازسازی استدلال‌های آنها ایجاد می‌شود. (آقاحسینی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) بنابراین گفتمان را می‌توان ضرورت اجرای سیاست خارجی دانست. (پوستین‌چی، ۱۳۸۳: ۲۵)

بر این اساس در تجزیه و تحلیل عوامل اختلاف‌زا بین کشورها متغیرهای گوناگونی همچون عوامل انسانی، سیاسی، اجتماعی، بین‌المللی و غیره نقش دارند. به این ترتیب، گفتمان نقش مؤثری در روندهای سیاست خارجی کشورها دارا می‌باشد. واحدهایی که از قالب گفتمانی مشخص برخوردار باشند تلاش خواهند داشت تا اهداف استراتژیک خود را از طریق دیپلماسی، به کارگیری ابزار قدرت و چانه‌زنی تأمین نمایند، این امر بیانگر آن است که دیپلماسی می‌تواند محور سیاست خارجی کشورها محسوب شود و از طریق شکل‌بندی و قواعد گفتمانی عرضه گردد. قواعد گفتمانی بر اساس پارادایم خاصی شکل می‌گیرد. هر پارادایم جهت‌گیری کلان سیاست خارجی را به نمایش می‌گذارد. به طور مثال، می‌توان پارادایم مداخله‌گری را به عنوان نقطه نهائی و کمال مطلوب واحدهایی دانست که در حدود توسعه قدرت خصوصی باشند. در بسیاری از موارد استراتژی کشورها در چارچوب پارادایم‌های گفتمانی به نمایش در می‌آیند. مقاصد و اهداف کشورها نیز بر اساس پارادایم‌های مسلط در سیاست خارجی کشورها تعیین می‌شوند.

در برخی از موارد گفتمان می‌تواند منشأ قدرت ملی یا ضعف در سیاست خارجی محسوب شود. اگر کشوری بتواند مقاصد خود را متناسب با ابزارهایی که در اختیار دارد تأمین نماید، در آن شرایط توانسته است به اهداف عالیه ملی در روند سیاست خارجی دست یابد. کشوری موفق است که قادر باشد اهداف سیاست خارجی را تأمین نماید و یا اینکه زمینه را برای تحقق رویکردهای گفتمانی به وجود آورد. از این رو گفتمان را می‌توان ضرورت اجرای سیاست خارجی دانست. (پوستین‌چی، ۱۳۸۳، ۲۵-۲۴)

در این میان تحلیل سیاست خارجی عبارت است از تجزیه و تحلیل فرآیندهای چندلایه و پیچیده، شامل اهدافی که حکومت‌ها در روابط خود با سایر حکومت‌ها دنبال می‌کنند. بر اساس رویکرد گفتمانی نمی‌توان سیاست بین‌الملل را به یک سلسله تعامل و رفتار عقلایی و در چارچوب مادی و نهادی، در سطوح ملی و بین‌المللی فروکاست. بر اساس همین رویکرد است که رفتارها می‌توانند در وضعیت اجتماعی بین‌دولتی معنادار شوند. بر اساس این دیدگاه ساختارهای سیستماتیک بین‌دولتی از یک سلسله برداشت‌ها، انتظارات و دانش اجتماعی تشکیل می‌شوند که در نهادهای بین‌المللی جای گرفته‌اند. (قوام، ۱۳۸۴، ۷-۵) بر پایه این تحلیل چارچوب معنایی که سیاست خارجی در آن شکل می‌گیرد، تکوین آن از راه زبان ممکن است. (Iersen, 1997: 125) بنابراین گفتمان‌ها مبنایی را به وجود می‌آورند که طی آن اولویت‌های سیاسی، منافع و هدف‌ها ساخته می‌شوند؛ یعنی سیاست خارجی از دیدگاه تصمیم‌گیرندگان با بازسازی استدلال‌های آنها ایجاد می‌شود؛ بدین ترتیب رفتار سیاست خارجی دولت‌ها به این بستگی دارد که افراد چگونه وضعیت را با قدرت درک و یا تحلیل می‌کنند. تئوری گفتمان در بردارنده دوگانه‌انگاری، تکوین، فروپاشی و شالوده‌شکنی است و زمینه را برای درک وضعیت هژمونی و همچنین فروپاشی آن فراهم می‌کند. (اقاحسینی، ۱۳۸۶، ۱۱۶)

پیشینه تاریخی روابط ایران و اروپا

روابط ایران و اروپا پس از انقلاب را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن سابقه تاریخی آن درک کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و کشورهای اروپایی دستخوش تحولات عمده‌ای گردید. هر چند روابط ایران و مجموعه کشورهای اروپایی رو به تیرگی نهاد. (سنایی، ۱۳۸۲، ۵۷) برخی از ناظران معتقد بودند اروپای غربی برخلاف دو ابرقدرت می‌تواند روابط بهتری با تهران داشته باشد. (Halliday, 1994: 309) در سال‌های اول انقلاب، ترس عمومی از اثرات بی‌ثبات‌کننده انقلاب ایران، نگرانی از تسلط شوروی بر ایران، تسری تنش‌های ایران و آمریکا و سیاست‌های داخلی اروپای غربی روابط ایران و کشورهای اروپای غربی را تحت تاثیر قرار داد. (Hunter, 1991: 142) ایران به دلایلی، مراکز فرهنگی اروپایی در ایران را تعطیل نمود و روابطش را با کشورهای کوچک‌تر اروپایی توسعه داد. به دنبال واقعه گروگان‌گیری در ایران، آمریکا خواستار مشارکت کشورهای اروپایی در تدابیر تنبیهی اقتصادی و مالی ایران از سوی

کشورهای اروپایی شد. اما متحدان اروپایی آمریکا بیشتر حمایت سیاسی و دیپلماتیک نمودند، چرا که ارزش معاملات اقتصادی کشورهای اروپایی در ایران چشمگیر بود. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۸۹) طی جنگ ایران و عراق کشورهای اروپایی ضمن شرکت در تحریم تسلیحاتی ایران، اقداماتی جهت خاتمه جنگ به عمل آوردند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸، فرصت مناسبی برای بهبود و توسعه روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا فراهم نمود. اما صدور فتوای قتل سلمان رشدی به وسیله امام خمینی(ره) در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷، واکنش و موضع‌گیری تند جامعه اروپایی را به دنبال داشت. (رحمانی و تائب، ۱۳۷۵: ۵) جامعه اروپا در مقابل فتوای فوق ضمن احضار سفرای دول عضو از تهران، به کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی با ایران پرداخت. (سنایی، ۱۳۸۲: ۵۸؛ نوازی، ۱۳۸۱: ۴۴) هرچند با روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی سفرای اروپایی به تهران بازگشتند.

پس از اشغال کویت توسط عراق و به دنبال اتخاذ مواضع مناسب از سوی ایران، اروپا خواستار ارتقاء روابط با ایران شد. کشورهای اروپایی در آبان‌ماه ۱۳۶۹، تمایل خود را به ملاقات با مقامات ایران ابراز کردند و به دنبال آن وزیر خارجه ایرلند به عنوان اولین مقام عالی‌رتبه اروپایی به تهران سفر کرد و تمایل اروپا برای فعال‌تر نمودن مناسبات با ایران را اعلام کرد. به دنبال آن و در سال ۱۳۷۰، وزرای خارجه هلند، لوکزامبورگ و ایتالیا (تروئیکا) به ایران سفر کرده و آمادگی اتحادیه برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی اروپا با ایران را اعلام نمودند. (رحمانی و تائب، ۱۳۷۵، ۹-۸) همچنین سران ۱۲ کشور اتحادیه اروپا در پایان اجلاس ادینبورگ (۱۱ و ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲) طی بیانیه‌ای بر لزوم حفظ گفتگوی انتقادی با ایران تاکید نمودند. (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۹: ۳۰) متعاقب آن نخست‌وزیر دانمارک به عنوان رئیس تروئیکا در ۶ آوریل ۱۹۹۳، طی نامه‌ای به هاشمی بر لزوم گفتگوی طرفین تاکید نمود. با اعلام سیاست مهار دو جانبه کلینتون، آمریکا از اتحادیه اروپا خواستار هماهنگی با آن کشور در مهار ایران شد، اما برخلاف آمریکا، اروپا نمی‌خواست ایران را منزوی سازد. درحقیقت، در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی؛ تلاش‌های زیادی جهت تامین همگرایی مجدد ایران با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته شد. در این راستا، ایران امیدوار بود بعد از سال ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا در

موقعیتی قرار بگیرد که وزنه برابری را در مقابل ایالات متحده ایجاد نماید. (Ehteshami, 1995.164)

اما از تیرماه ۱۳۷۵، روابط ایران و اتحادیه اروپا به شدت تحت تاثیر جنجال ادگاه میکونوس قرار گرفت. صدور حکم دادگاه میکونوس ضربه‌ای اساسی به روابط طرفین وارد نمود. پس از صدور حکم دادگاه، اتحادیه اروپا در تصمیمی؛ اقدام به فراخوانی سفرای کشورهای عضو از تهران نمود. (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۳) در زمستان ۱۳۷۵، اتحادیه اروپا اعلام کرد سفرای خود را به تدریج به تهران باز خواهد گرداند. اما با توجه به شرایط خاص ایران بازگشت سفرای اروپایی برای مدتی به فراموشی سپرده شد.

شرایط فوق تا انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ باقی بود. با انتخاب محمد خاتمی و اعلام سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی به تدریج یخ‌های روابط ایران با اروپا ذوب شد. با توجه به تغییر چهره ایران در بعد بین‌المللی، سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی به ویژه در قبال غرب و گسترش روابط فرمانطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت و گفتگوی سازنده در روابط با اروپا، از اوایل اسفند ۱۳۷۶، جایگزین گفتگوی انتقادی گردید و پس از آن اتحادیه اروپا ترغیب به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ایران شد. (دهشیری، ۱۳۸۰: ۳۸۶) سفرای اتحادیه به ایران بازگشتند و اتحادیه گفتگوی جامع و فراگیر با ایران را درپیش گرفت. اتحادیه اروپا از پیشنهاد گفتگوی تمدن‌های خاتمی استقبال نمود. کمال خرازی نیز از پیشنهاد را بین کوک وزیر خارجه انگلیس در زمینه گفتگو میان سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه اروپا استقبال کرد. کمیسیون اروپا نیز در ۲۷/۱۱/۷۹ با انتشار گزارشی تصریح کرد که به دلایل سیاسی و اقتصادی به نفع اتحادیه اروپایی است تا روابط نزدیک‌تری را با ایران برقرار کند. در این گزارش، پیشنهاد انعقاد یک قرارداد تجاری بین ایران و اتحادیه اروپا مطرح شده بود.

در مقابل استراتژی مهار ایران، اتحادیه اروپا با برقراری تماس و ارتباط با ایران و سعی در آگاهی دقیق‌تر از نیت‌های ایران، تعدیل رفتار این کشور از طریق گفتگو، مذاکره و درگیر کردن آن در پروسه عادی‌سازی مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را در پیش گرفت. در واقع سیاست درگیرسازی اروپا، در عین داشتن نگرانی در مورد نیت‌ها، توانایی‌ها و رفتار ایران، در مجموع در خصوص میزان خطر و تهدید ایران تفاوت آشکاری با سیاست کشورهای دیگر داشت که تهدید

ایران را گسترده می‌دیدند. (سجادپور، ۱۳۸۰: ۱۹۹-۱۹۷). با توسعه روابط ایران و اروپا رئیس‌جمهور ایران برای اولین بار از سه کشور ایتالیا، فرانسه و آلمان رسماً دیدار کرد. به دنبال وقایع ۱۱ سپتامبر، فضای نظام بین‌الملل به هم ریخته و ایران توسط جرج بوش در محور شرارت قرار گرفت. هرچند اروپا در مورد پیگیری برنامه سلاح‌های کشتار جمعی از سوی ایران و حمایت تهران از گروه‌های رادیکال خاورمیانه برخوردار بوده و با ادعای وزیر دفاع آمریکا مبنی بر پناه دادن اعضای القاعده توسط ایران چندان موافق نبود. (سجادپور، ۱۳۸۰: ۹۷۷-۹۷۶)

اتحادیه اروپا، در ۲۷ خرداد ۱۳۸۱، علی‌رغم تبلیغات شدید آمریکا علیه ایران در لوکزامبورگ تصمیم به تعمیق و گسترش روابط با ایران گرفت و توافق نمود دو موافقت‌نامه جداگانه در زمینه مسائل تجاری و سیاسی با ایران امضا کند. هر چند پس از آن کشورهای اتحادیه اروپایی مذاکره در باب انعقاد موافقت‌نامه‌های فوق را به تعویق انداختند. از دیگر پیشرفت‌ها در روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا در این مقطع گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در لیست گروه‌های تروریستی از سوی اتحادیه اروپا بود. (نوروز، ۱۶/۴/۸۱: ۶)

اتحادیه اروپا ضمن تأکید بر تداوم گفتگو با ایران و بسط روابط تجاری و اقتصادی با این کشور بر سر مسائلی چون حقوق بشر، آزادی‌های اساسی شهروندان، رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی، رعایت معاهده‌های منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مقابله با تروریسم و خودداری از برهم زدن فرآیند صلح در خاورمیانه شرایطی را مطرح و خواستار گفتگو در مورد آنها با ایران گردید. (سنائی، ۱۳۸۲: ۶۶)

اما در شرایط جدید بین‌المللی مقامات اروپایی اعلام کردند بسط روابط طرفین بستگی به هماهنگی ایران با نظام بین‌الملل، اصول دموکراتیک و حقوق بشر دارد. همین‌طور در این گفتگوها در مورد خطوط اصلی همکاری طرفین در زمینه انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری صحبت و تبادل نظر صورت گرفت (Round table..., 2001.131) اما نکته مهم، پافشاری اتحادیه اروپا بر پیش‌شرط‌های حقوق بشر، روند صلح خاورمیانه، تروریسم و تسلیحات کشتار دسته جمعی بود.

عمده مسائل میان ایران و اتحادیه اروپا از این پس متأثر از تحولات نظام بین‌الملل در

محورهای مبارزه با تروریسم و مقوله فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. مقامات اتحادیه اروپا در ۳۰ جولای ۲۰۰۲ عنوان کردند که اتحادیه اروپا در صدد است که گفتگوهای تجاری با ایران را بر پیوستن ایران به پروتکل الحاقی و همچنین موضوعاتی مانند حقوق بشر و صلح خاورمیانه منوط کند.

در خردادماه ۱۳۸۲ وزرای خارجه اتحادیه اروپا از ایران خواستند اجازه دهد از تاسیسات هسته‌ای‌اش بازرسی‌های سختگیرانه‌تری اعمال شود (BBC, 2005/08/05) در ۲۱ ژوئیه، اتحادیه اروپا هشدار داد که اگر ایران همکاری کاملی با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نداشته باشد، بروکسل شاید در مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی تجدیدنظر کند. از اواخر سال ۲۰۰۴، شورای اروپا در نشست خود در ۴ و ۵ نوامبر در بروکسل موافقت خود را با تعامل اتحادیه اروپا و کشورهای عضو با ایران، به ویژه در چارچوب تلاش‌های سه کشور اروپایی و نماینده ارشد سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا اعلام کرد. (Kile, 2005. 27-28) ایران از آن پس، تعامل و مذاکره با اتحادیه اروپا به نمایندگی از شورای حکام آژانس را سرلوحه دیپلماسی هسته‌ای خود قرار داد. هدف ایران در این مقطع آرام‌سازی فضا، همکاری و اعتمادسازی و جلوگیری از تمایل و نزدیکی شورای حکام و اتحادیه اروپا در مساله هسته‌ای ایران به ایالات متحده بود. در ۳۰ مهر ۱۳۸۳ (۲۱ اکتبر ۲۰۰۴) سه کشور اروپایی ضمن ارائه مشوق‌هایی از ایران خواستند کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را متوقف کند. در آبان‌ماه در پی مذاکره ایران و ۳ کشور اروپایی در پاریس، ایران پذیرفت تا زمانی که مذاکرات ادامه دارد، غنی‌سازی اورانیوم را کاملاً به حالت تعلیق درآورد. در ۵ آذر ۸۳، بریتانیا، فرانسه و آلمان با آمریکا بر سر قطعنامه‌ای به توافق رسیدند که به ایران در مورد فعالیت‌های اتمی‌اش هشدار دهند. به طوری که در روز بعد، آژانس این قطعنامه را تصویب کرد. در ۲۸ آذر ۸۳ نماینده وقت ایران در آژانس، پروتکل الحاقی را امضا کرد. (BBC, 5/8/2005)

در ۲۵ بهمن ۸۳، ایران اعلام کرد که ساخت رآکتور آب سنگین در اراک را متوقف نخواهد کرد. در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۴، اروپاییان به ایران هشدار دادند که هرگونه از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای به روند مذاکره پایان خواهد داد. در ۵ خرداد همان سال، ایران پذیرفت تصمیم نهایی خود را بعد از دریافت پیشنهادهای اروپا در اواخر ژوئیه موکول کند. این زمان سپس تا

اواسط مرداد تمدید شد. در حقیقت طرفین منتظر ماندند تا تکلیف انتخابات ریاست جمهوری نهم سیر وقایع بعدی را مشخص سازد.

با خاتمه یافتن دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری رسید و در اندک زمانی پس از تصدی پست ریاست‌جمهوری تحولات بنیادی را در این عرصه پدید آورد. دولت جدید برخلاف دولت قبلی نگاه ایدئولوژیک تجدیدنظرطلبانه و برهم زننده وضع موجود نظام بین‌الملل را در پیش گرفت. دولت نهم مناسبات حاکم بر نظام بین‌الملل را ناعادلانه و نابرابر خواند و به دنبال بر هم زدن آن بود. (سنائی، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۱) در واقع آرمانگرایی اسلامی محمود احمدی‌نژاد، بسیار آرمان‌خواهانه و حداکثری بود. وی سیاست خارجی ایران را به سمت رادیکالیسم اسلامی دهه ۱۹۸۰ سوق داد و با در پیش گرفتن سیاست تجدیدنظرطلبانه با جهان خارج، در پی برهم زدن نظم حاکم بر نظام بین‌المللی و ایجاد نظم جدید بود که این نوع سیاست خارجی به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و جهانی منجر شد. (Gosiorowski, 2007. 125-130)

در دولت نهم و دهم بازتعریف مجددی از غرب ارائه شد. جمع‌بندی از عملکرد غرب با جمهوری اسلامی منجر به این شد که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی باشند در صدد تسلیم و تمکین ایران باشند. این نتیجه‌گیری باعث شد تا جمهوری اسلامی سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. این مواجهه‌جویی نیز باعث شد تا آمریکا حمایت اروپا را در پرونده هسته‌ای ایران به دست آورده و در کنار تحریم‌های مختلف ایران، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع و قطعنامه‌های مختلف علیه کشور را به تصویب برساند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵۲۱-۵۲۰) لذا با روی کار آمدن دولت نهم در ایران، فضای روابط با اتحادیه اروپا بسیار سرد و سنگین شد. به غیر از پرونده هسته‌ای که مهم‌ترین و حساس‌ترین محور اختلاف طرفین بود؛ مسایلی چون هولوکاست و اظهارات احمدی‌نژاد در این رابطه به این فضای سخت دامن زد. تغییر نوع و فضای گفتگو با کشورهای گروه ۵+۱ بر این شرایط دشوار تاثیر منفی گذاشت، تا جایی که در موضوع هسته‌ای ایران تقریباً بالاترین حد همگرایی و اتفاق نظر بین اعضای اتحادیه مشاهده شد. (خالوزاده و افضلی، ۱۳۹۰:

در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیئت‌ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت. اتحادیه اروپا، در ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرد تا زمانی که ایران به شفافیت و اعتمادسازی در برنامه هسته‌ای خود دست نزند، از برقراری روابط گسترده با آن خودداری خواهد کرد.

برنامه هسته‌ای ایران و رویکرد اتحادیه اروپا

پرونده هسته‌ای ایران پس از به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد مجدداً ابعاد جدیدی یافت و استراتژی هسته‌ای کشور از «جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت» به استراتژی «دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای و عدم تعلیق مجدد فعالیت‌ها» تغییر کرد. در این راستا هرگونه همکاری مسالمت‌آمیز و تعلیق داوطلبانه کنار گذاشته شد و دولت با تاکید بر این نکته که صرفاً مقاومت و پافشاری بر حقوق هسته‌ای خواهد توانست انرژی هسته‌ای را برای کشور به ارمغان آورد، تاکتیک متفاوتی از روش‌های حکومت پیشین را در پیش گرفت و با فنی و حقوقی خواندن پرونده هسته‌ای ایران امکان ارجاع آن را به شورای امنیت رد نمود. احمدی‌نژاد از مخالفت تلویحی تهران با بسته مشوق‌های اقتصادی و سیاسی غرب در قبال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خبر داد و سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۸۴، ایران در حضور خبرنگاران داخلی و خارجی فراوری اورانیوم را در اصفهان از سر گرفت که به دنبال آن اتحادیه اروپا این اقدام را محکوم کرد. (سنائی، ۱۳۹۳: ۱۷۵)

در دوم شهریور ۸۴ بریتانیا، آلمان و فرانسه مذاکرات قبلی خود را با ایران به دلیل از سرگیری فعالیت‌های اتمی در اصفهان لغو کردند. فرانسه از سرگیری فراوری اورانیوم را ناقض مفاد توافقنامه پاریس (نوامبر ۲۰۰۴) اعلام نمود. در ۱۴ شهریور همان سال، لاریجانی؛ دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی درخواست اتحادیه اروپا مبنی بر اینکه ایران تا پیش از اجلاس ۲۹ شهریور آژانس فعالیت‌های غنی‌سازی خود را به حالت تعلیق درآورد، رد کرد. احمدی‌نژاد در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کرد برای تعدیل نگرانی‌ها همه کشورها در برنامه هسته‌ای ایران مشارکت کنند. او همچنین خواستار تشکیل کمیته‌ای در سازمان ملل برای مقابله با «آپارتاید اتمی» شد. آمریکا و اتحادیه اروپا، واکنش تندی به سخنان

رئیس‌جمهور ایران نشان دادند و از آژانس خواستند پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد. (BBC, 2005/8/5)

در سوم مهر ۸۴، قطعنامه شورای حکام با اکثریت آراء به تصویب رسید و از ایران خواست مذاکرات با ۳ کشور اروپایی را از سر بگیرد، پروتکل الحاقی را به تصویب قوه مقننه برساند و غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. ایران ضمن تاکید بر ادامه مذاکرات، موارد فوق را رد کرد. در ۲۱ دی، ایران غنی‌سازی اورانیوم جهت مصارف تحقیقاتی را از سر گرفت. در ۲۳ دی، وزرای خارجی بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کردند که مذاکرات اتمی با ایران به بن‌بست رسیده است و آنها می‌خواهند شورای امنیت در این پرونده مداخله کند.

سرانجام در ۱۲ بهمن ۸۴، وزیران خارجه آمریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه، چین و آلمان و نماینده اتحادیه اروپا در اجلاسی در لندن با صدور بیانیه‌ای، درخواست کردند شورای حکام آژانس در نشست فوق‌العاده خود موضوع فعالیت هسته‌ای ایران را به شورای امنیت گزارش کند. در روز ۱۶ بهمن، در اجلاس اضطراری آژانس بالاخره ارجاع «گزارش» پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تصویب شد. شورای امنیت از مارس ۲۰۰۶ تا ژوئن ۲۰۱۰ یک بیانیه و ۶ قطعنامه (حاوی ۴ قطعنامه تحریمی علیه ایران) تصویب نمود. سه قطعنامه اولیه شورای امنیت (قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷) در فاصله کمتر از ده ماه پس از اولین سالگرد انتخابات دولت نهم به تصویب رسید. لذا با روی کار آمدن دولت نهم عملاً دوران تیره‌ای از مناسبات ایران و اروپا شروع شد. (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶) در پی آن اتحادیه اروپا نسبت به رفتار با ایران به تعامل با آمریکا نزدیک شد و اروپا و آمریکا حول موضوع مخالفت با چرخه کامل سوخت هسته‌ای در ایران به یک نقطه اشتراک رسیدند. (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

در این دوران تحریم‌های مختلفی توسط اروپا علیه ایران اعمال شد. وزیران خارجه اتحادیه اروپا در ۲ بهمن ۱۳۸۵ در بروکسل اجرای تحریم‌های در نظر گرفته شده در شورای امنیت علیه ایران (قطعنامه ۱۷۳۷) را تصویب کردند. این مصوبه محدودیت‌ها و همچنین تحریم‌های مالی بر علیه برخی از موسسات و شخصیت‌های ایرانی را به دنبال داشت. (ایسنا، ۱۳۸۵/۱۱/۲)

سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پایان نشست خود در بروکسل در سال ۱۳۸۶ بیانیه‌ای ۹۰ ماده‌ای منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه به ایران هشدار داده شد که در صورت

عدم توقف غنی‌سازی اورانیوم با تحریم‌های بیشتری مواجه خواهد شد. پارلمان اروپا نیز در ژوئن ۲۰۰۸ در قطعنامه‌ای از کشورهای عضو خواست صدور هرگونه فناوری هسته‌ای را به ایران ممنوع کنند. (خالوزاده و افضل‌ی، ۱۳۹۰: ۳۵)

کشورهای اروپایی در نشست ۳ تیر ۱۳۸۷ لوکزامبورگ، تحریم‌هایی را توسط وزیران کشاورزی و صید کشورهای اروپایی علیه ایران به تصویب رساندند. در این بیانیه، تحریم‌ها شامل اعطای وام، ضمانت‌های بازرگانی و بیمه برای صادرات می‌شد. (آریا نیوز، ۱۳۸۷/۴/۳) رویکرد تحریم‌های سخت اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ روند پرشتایی گرفت. پس از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ (۱۹ خرداد ۱۳۸۹)، سران اتحادیه اروپا در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰ در زمینه تحریم‌های شدیدتر علیه ایران، به توافق رسیدند. اروپا اعلام کرد که تحریم‌هایی را در بخش‌های انرژی، سرمایه‌گذاری جدید، کمک فنی و نقل و انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه‌ها به ویژه حوزه‌های مربوط به پالایش، گدازش و فناوری گاز طبیعی مایع شده اعمال می‌کند. وزرای خارجه اتحادیه نیز دو روز قبل از آن طی نشستی در لوکزامبورگ تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های سازمان ملل شامل تحریم‌هایی در زمینه صنایع نفت و گاز، حمل و نقل، بیمه، بانکداری، انتقال فن‌آوری، تجهیزات و خدمات علیه ایران را تصویب کردند. (افضلی، ۱۳۹۰، ۳۸-۳۹)

در ۱۲ اوت ۲۰۱۰، اتحادیه اروپا ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های صنایع نفت و گاز طبیعی و موضوع وابسته به آن را ممنوع کرد. علاوه بر آن تامین بیمه و بیمه اتکایی به دولت ایران، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات دوگانه، فروش عرضه یا انتقال تجهیزات انرژی و فن‌آوری مورد استفاده ایران برای پالایش، میعان‌سازی گاز طبیعی، اکتشاف و تولید نیز مشمول تحریم‌ها قرار گرفت. (عصر ایران، خرداد ۱۳۸۹)

در ماه مه ۲۰۱۱، وزرای خارجه اتحادیه اروپا نام صد شخص و شرکت جدید از جمله خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را به لیست شرکت‌ها و افراد شامل تحریم خود اضافه کردند. در اول دسامبر ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا نام ۱۸۰ ایرانی را به لیست تحریم‌های خود اضافه کرد. در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا عقد هرگونه قراردادهای جدید واردات، خرید و یا حمل و نقل نفت خام ایران و فرآورده‌های نفتی را ممنوع اعلام کرد. در این زمان همچنین

دارایی‌های بانک مرکزی ایران در اروپا مسدود و تجارت طلا و سایر فلزات گرانبها با بانک‌ها و نهادهای دولتی ایران ممنوع شد. در ۲۳ فروردین ۱۳۹۱، وزیران خارجه اتحادیه اروپا در اجلاس بروکسل تصمیم گرفتند واردات نفت از ایران را به کشورهای اروپایی تحریم کنند. علاوه بر این مناسبات ایران و اروپا در این دوران در بعد حقوق بشر نیز تیره و تار بود. اتحادیه اروپا معتقد بود که ایران به میثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری احترام نمی‌گذارد. اتحادیه اروپا در موقعیت‌های مختلف، نظریات خود را در این خصوص به ویژه از طریق پارلمان اروپا ابراز می‌کرد. (کتاب اروپا (۲)، ۱۳۸۲: ۷۸) گفتگوهای حقوق بشری که میان ایران و اروپا جریان داشت عملاً از سال ۲۰۰۴ متوقف شد و اتحادیه اروپا قطعنامه‌های مختلفی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران صادر نمود. (گلشن‌پژوه، ۱۳۷۱: ۶۹) اتحادیه اروپا در قطعنامه‌های مختلفی مدعی نقض حقوق بشر در ایران شد و اقداماتی از جمله تحریم برخی از مقامات و مسئولین را به همین دلیل در پیش گرفت. در واقع تیرگی روابط ایران و اروپا تا آخرین روزهای دولت دهم به همان صورت ادامه داشت.

روابط ایران و اروپا در دوران اصول‌گرایان

جهان‌بینی دولت احمدی‌نژاد درباره دنیای خارج بر چندپایه استوار بود. نخستین پایه، بازگشت به اصول انقلابی بود. مسئولان سیاست خارجی ایران در این دوره ساختار فعلی نظام بین‌المللی را ناعادلانه می‌دانستند و خواستار تغییر بنیادین در آن بودند. دولت احمدی‌نژاد از ترکیب سازمان ملل انتقاد کرده خواستار تغییر در آن بود. به اعتقاد وی جهان باید جای خود را به نظامی اسلامی دهد که در ذات خود عادلانه و برحق است. بنابراین تا تحقق چنان جهانی دنیا به دو اردوی متضاد خیر و شر و نور و ظلمت تقسیم‌شده خواهد ماند.

دومین پایه جهان‌بینی اسلامی بود. در این نظام سیاسی مانند دیگر نظام‌ها ارائه تصویری از جهان بهتر و طراحي شیوه‌هایی برای رسیدن به آن از رسالت‌های عمده حکومت است. از دیگر ویژگی‌های آن نگرانی واقعی یا صوری رهبران از دسیسه‌های دشمنان خارجی و داخلی است. از این منظر، اوضاع و احوال کشور را هیچ‌گاه نباید آرام و عادی تلقی کرد و وضعیت اضطراری را دست‌کم گرفت. در واقع، در چنین وضعیتی اوضاع را به‌گونه‌ای جلوه می‌دهند که گویی ایران همواره با تهدیدهای بزرگ روبه‌روست که مستلزم تحرک و آمادگی است. از همین

رو، تصمیم‌ها و رفتارهای خود را ناشی از شرایط استثنایی قلمداد می‌کنند و درست به همین دلیل است که نیاز به تولید یا ادامه بحران دارند. (طارمی، مرادی، ۱۳۹۳: ۱۵۸)

سومین جهان‌بینی دولت احمدی‌نژاد دیدگاه فراملی آن است. در این دیدگاه رسالت حکومت بیش از هر عامل دیگری معطوف به اسلام و امت اسلامی در جهان است که این اصول حاکم در جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم با نظام بین‌الملل از جمله اتحادیه اروپا هویداست. این دوران به دلیل ازسرگیری فعالیت‌های هسته‌ای، شعارهای انقلابی، نفی هولوکاست و ضدیت با صهیونیسم از مسئولیت‌های ملی همه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران بوده است. لیکن این مسئولیت با توجه به فرایند هویت‌یابی دولت نهم و دهم و رویکرد تهاجمی آن در سیاست خارجی در این دوره به شدت تقویت و به یکی از جلوه‌های بارز سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد تبدیل شد. (فیروزآبادی، نوری، ۱۳۹۴: ۴۲) به طوری که احمدی‌نژاد در مصاحبه خبری با شبکه العالم گفته بود اروپاییان هریک تکه‌ای از خاکشان را به اسرائیل بدهند زیرا هولوکاست در آنجا اتفاق افتاده است. این در حالی است که اکنون دولت فلسطین باید تاوان آن را پس بدهد. (طارمی، مرادی، ۱۳۹۳: ۱۵۸)

در نتیجه اتخاذ این سیاست‌ها روابط خارجی با اتحادیه اروپا قطع شد و در پی آن اتحادیه اروپا با نزدیکی سیاست‌های خود به آمریکا خواهان ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت شد. سپس با تصویب قطعنامه تحریمی موافقت‌نامه‌های تجاری بین طرفین نیز لغو شد. از سوی دیگر با روی کار آمدن دولت نهم، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی طرفین به نحو بسیار آشکاری کاهش یافت. مذاکرات سطح بالا و مبادله هیئت‌ها و رفت و آمدهای سیاسی و اقتصادی بسیار کاهش یافت و دیگر شاهد سفرهای سیاسی دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری در سطح روسای کشورها و حتی وزرای خارجه و یا وزرای اقتصادی نبودیم.

علاوه بر آن روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد واکنش‌های متفاوتی در سطح بین‌الملل برانگیخت. از یک طرف تحت تأثیر تبلیغات سوء رسانه‌های غربی، جبهه‌های مختلفی در دنیا علیه ایران گشوده شد. فضای حاکم بر گفتگوهای ایران با تروئیکا تغییر کرد و تعلیق داوطلبانه و موقتی اکثر فعالیت‌های هسته‌ای متوقف گردید. بتدریج تعلیق‌هایی که در دولت اصلاحات صورت گرفته بود برداشته شد. این مسائل روابط ایران با اتحادیه اروپایی را وارد مرحله

جدیدی از چالش و تحریم‌های گوناگون کرد کاترین اشتون در مصاحبه با اشپیگل خواهان تحریم‌های جدید علیه ایران شد. (Schlamp, 14/3/2010)

به دنبال دیپلماسی چندوجهی و همه‌جانبه ایران، اروپا و آمریکا واکنش شدیدی علیه اقدامات ایران نشان دادند. اتحادیه اروپا به همراه آمریکا تفسیر متفاوتی از مقررات پیمان عدم گسترش سلاح هسته‌ای داشته و از ایران خواست غنی‌سازی ۱۲ درصدی را متوقف کند. رویکرد تحریم‌های همه‌جانبه، هوشمند و هدف‌دار اتحادیه اروپایی روند جدی‌تری به خود گرفت. بدین ترتیب، در زمان باراک اوباما تحریم‌های آمریکا علیه ایران که از زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون برقرار شده بود، ادامه یافت. در آغاز، هر چند که تحریم‌های کشور ثروتمند و قدرتمندی چون آمریکا پیامدهای ناگوار بسیاری برای ایران به دنبال داشت، اما از آنجا که این تحریم‌ها عمدتاً توسط یک کشور اعمال می‌شد و جنبه بین‌المللی نداشت. (رادپو فردا، ۱۴ مرداد ۱۳۵۸) در این میان، به دنبال فضای سنگین ایجاد شده در روابط و گفتگوهای طرفین و تصویب ۹ قطعنامه سخت و تحریمی از سوی شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، هماهنگی بین اروپا و آمریکا بیشتر از هر زمانی عینیت یافت و در این راستا سران اتحادیه اروپا در نشست بروکسل، تحریم‌های شدیدی علیه ایران تصویب کردند. کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرد این تحریم‌ها اقداماتی مکمل و در حمایت از تحریم‌های سازمان ملل خواهند بود. وی همچنین تأکید کرد که اتحادیه اروپا رویکرد دوطرفه و گفتگو بر سر میز مذاکره را باقی می‌گذارد.

در تصمیم شورای اتحادیه اروپایی، و محدودیت‌های تصویب‌شده علیه ایران مذاکرات در چارچوب گروه ۵+۱ توجیه شده است. از این زمان دیپلماسی فشار و تحریم در دستور کار مشترک اروپا و آمریکا قرار گرفت. کشورهای دو سوی آتلانتیک از این طریق قصد داشتند با اعمال فشارهای زیاد و همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران را مجبور به تعلیق برنامه غنی‌سازی خود بنمایند. استراتژی اتحادیه اروپا در اعمال دیپلماسی تحریم که از طریق فشارهای سیاسی و اقتصادی و بخصوص تحریم‌های گسترده اقتصادی و تجاری در قبال ایران اتخاذ شد، نتایجی را به همراه داشت و در پی آن دیپلماسی تحریمی اتحادیه اروپایی با جدیت تمام اجرا شد. این

در حالی بود که اروپا گزینه جنگ را در نظر نداشت بلکه دایره تحریم‌ها هرروز تنگ‌تر شد و تحریم‌های بیشتری را در بر گرفت.

در حقیقت در ارزیابی روابط ایران با اتحادیه اروپا نمی‌توان نقش آمریکا را نادیده گرفت. آمریکا نقش کلیدی در رابطه با اتحادیه اروپا و کشورهای بزرگ و قدرتمند آن به ویژه انگلیس و فرانسه دارد. (مرادی، ۱۳۸۵: ۱۰۲) بعد از جنگ عراق و به دنبال یکسری اختلافات دو سوی آتلانتیک ناشی از عدم شرکت برخی کشورهای اروپایی در این جنگ، به تدریج روابط دو طرف عادی شد. پرونده هسته‌ای ایران دو طرف را به یکدیگر نزدیک کرد و اختلافات را در هاله‌ای از ابهام فرو برد. اتحادیه اروپا تلاش کرد تا از طریق پرونده هسته‌ای، ایران با واشنگتن آشتی کند. از طرفی، فضای سنگین و غیرتعاملی ناشی از برخورد دولت نهم با پرونده هسته‌ای باعث گردید که اروپایی‌ها مواضع خود را به ایالات متحده نزدیک‌تر نموده و به همراه آمریکا خواهان ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت شوند تا از طریق اهرم سیاسی و حقوقی شورای امنیت، جمهوری اسلامی را وادار به کوتاه آمدن از خواسته‌های خود نمایند. آمریکا نیز خواستار همراهی هرچه بهتر اتحادیه اروپا با خود بود و از همان ابتدا به واسطه ارتباط سنتی و استراتژیک با انگلیس و اتحادیه اروپا، در جریان گفتگوهای اتحادیه با ایران بود. این امر باعث شد که مذاکرات تروئیکای اروپا با تهران عملاً به مذاکرات همزمان "اروپا و آمریکا" با طرف ایرانی تعبیر شود.

در مذاکرات هسته‌ای ایران با سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه، و آلمان هرگاه زمینه‌ای برای توافقی فراهم می‌شد و انگلیس که معمولاً نقش رابط را داشت، نمی‌توانست با آمریکا هماهنگی لازم را به وجود آورد. لذا به دلیل مخالفت آمریکا مذاکرات به شکست می‌انجامید. مصوبه ۳ بهمن ۱۳۹۰ شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپایی در بروکسل در خصوص تحریم خرید نفت از ایران از اول ژوئیه ۲۰۱۲ و تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیانگر راهبرد هماهنگ و هدف‌دار اروپا و آمریکا در برابر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. خاویر سولانا در مصاحبه‌ای اعلام کرد که اتحادیه اروپا آماده بستن قراردادهای بازرگانی با ایران است مشروط بر اینکه ایران دست از غنی‌سازی بردارد. (طارمی، ۱۳۹۳: ۱۶۳) به دنبال این مصوبه در تحریم‌های جدید علیه ایران، باراک اوباما از اقدام اتحادیه اروپا در تصویب تحریم نفت ایران

استقبال کرد و اعلام نمود که این اقدام نشان‌دهنده اتحاد جامعه بین‌المللی برای رفع خطر برنامه هسته‌ای ایران است. اوباما، در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ در بیانیه‌ای اعلام کرد امریکا به اعمال تحریم‌های جدید به منظور افزایش فشار بر ایران ادامه خواهد داد. وی افزود که ما به افزایش فشار ادامه خواهیم داد مگر در صورتی که ایران در جهت تغییر مسیر اقدام کند و به تعهدات بین‌المللی خود پایبندی نشان دهد.

روابط ایران و اروپا در دوران اعتدال‌گرایان

مناسبات ایران و اروپا با روی کار آمدن حسن روحانی تغییر کرد. دلایل این تغییر را نخست می‌توان در مبانی جدید سیاست خارجی ایران که شامل تاکید بر سیاست خارجی فعال، سازنده و واقع‌گرا، سیاست خارجی در خدمت تامین منافع ملی، اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی، تعامل سازنده و تنش‌زدایی جستجو کرد.

پیروزی روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و برنامه‌های ارائه شده وی در عرصه سیاست خارجی با استقبال گسترده مقام‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله اروپایی‌ها مواجه شد. واکنش‌های مقامات اروپایی نشان‌دهنده استقبال آنها از ریاست‌جمهوری روحانی و امیدواری آنها به آغاز دور جدید مناسبات ایران و اروپا بود. اروپایی‌ها با صدور بیانیه‌هایی ضمن استقبال از این انتخاب برای همکاری بیشتر در عرصه بین‌الملل با ایران اعلام آمادگی کردند. وزیر امور خارجه ایتالیا نیز پس از انتخاب رئیس‌جمهوری جدید ایران، ابراز امیدواری کرد که بتواند گفتگویی سازنده با این کشور داشته باشد. کاترین اشتون، مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا با ارسال نامه تبریک به روحانی از وی دعوت کرد تا در اسرع وقت مذاکرات با گروه ۵+۱ را از سر بگیرد. رئیس‌جمهوری فرانسه، نخست‌وزیر اسپانیا، صدر-اعظم آلمان و نخست‌وزیر انگلستان در پیام‌های جداگانه‌ای ضمن تبریک پیروزی روحانی نسبت به بهبود و توسعه روابط ایران و اروپا ابراز خوش بینی کردند. وزیر امور خارجه فرانسه نیز در ملاقاتی با سفیر ایران در فرانسه عنوان کرد که آن کشور آماده است با دولتمردان جدید ایران کار کند، اما انتظار دارد تهران گام‌های ملموسی را برای رفع نگرانی جامعه بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران بر دارد. روسای جمهوری چک، اسلواکی و آلمان نیز در پیام‌های جدا-گانه‌ای انتخاب روحانی به ریاست‌جمهوری ایران را تبریک گفتند. همچنین در اقدامی دیگر

خاویر سولانا مسئول اسبق سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر بهبود مناسبات ایران و اتحادیه اروپا در دوران جدید تاکید کرد. (ایسنا، مرداد ۱۳۹۲)

در ۲۵ شهریور ۱۳۹۲، دیوان دادگستری اروپا تحریم شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و ۱۷ شرکت دیگر را باطل کرد. همزمان مدیرعامل شرکت توتال فرانسه رسماً آمادگی خود را برای بازگشت مجدد به صنعت ایران و به ویژه توسعه پارس جنوبی اعلام کرد. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه ۱۳۹۲، حسن روحانی و هانس فیشر؛ روسای جمهور ایران و اتریش با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند. حسن روحانی در این دیدار تصریح کرد که ایران می‌تواند مرکز انرژی مطمئنی برای اروپا باشد. رئیس‌جمهور اتریش هم در این دیدار با اشاره به روابط تاریخی و دیرینه دو کشور از ارتقاء مناسبات فی‌مابین استقبال کرده و گفت همکاری با ایران برای اتحادیه اروپا ثمربخش است. همچنین روحانی با فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فرانسه و ظریف با لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و درخصوص پرونده هسته‌ای و روابط دوجانبه گفتگو کردند. وزیر امور خارجه بلژیک نیز در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در دیدار با ظریف ضمن ابراز خرسندی از دیدگاه‌های دولت روحانی در عرصه سیاست خارجی برای تعامل با دنیا گفت: سیاست‌های دولت جدید ایران می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های بیشتر کشور با اتحادیه اروپا فراهم کند. (ایرنا، مهر ۱۳۹۲)

پیرو مذاکرات وزرای خارجه ایران و انگلستان در نیویورک مقرر شد گفتگوها بین نمایندگان طرفین ادامه یابد. اندکی بعد وزیر امور خارجه انگلیس به ظریف پیشنهاد داد که دو کشور نسبت به تعیین کاردار غیرمقیم در پایتخت‌های یکدیگر اقدام کنند. همچنین ظریف با وزیر امور خارجه سوئیس دیدار و درخصوص مباحث مورد علاقه طرفین گفتگو کرد. همزمان در حاشیه گفتگوهای ایران و ۱+۵ معاونان وزرای امور خارجه ایران و انگلستان درخصوص پرونده هسته‌ای ایران و نیز سطح روابط دو کشور در ژنو دیدار و گفتگو کردند. در ۲۷ مهر ۱۳۹۲ هیات پارلمانی اروپا وارد تهران شده و در مدت اقامت چهار روزه خود در تهران با برخی از مقام‌های ایران دیدار و گفتگو کرد. در نیمه دوم مهرماه قائم مقام وزیر خارجه سوئیس و رئیس هیات پارلمانی اروپا در سفر به تهران و دیدار با برخی مسئولان کشور بر گسترش روابط ایران و اروپا و ضرورت لغو تحریم‌ها علیه ایران تاکید کردند. در شروع کار دولت یازدهم

رئیس پارلمان ایرلند، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان، نخست‌وزیر اسبق ایرلند و معاون سیاسی و مدیرکل منطقه‌ای وزارت امور خارجه ایرلند به ایران سفر کردند. در ۱۲ آبان ۱۳۹۲ ظریف در دیدار با قائم‌مقام وزارت خارجه اتریش برای همکاری و تعامل با کشورهای اروپایی در سطح دوجانبه و مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه تثبیت ثبات و امنیت در منطقه اعلام آمادگی کرد. در نیمه آبان همان سال وزیر امور خارجه ایران که به منظور شرکت در مجمع سران سازمان یونسکو به پاریس سفر کرده بود با وزیر امور خارجه فرانسه دیدار کرد. در این دیدار، ظریف با یادآوری گفتگوهای سازنده ایران و گروه ۵+۱ در نیویورک، ژنو و وین، روند این مذاکرات را رو به جلو توصیف و ابراز امیدواری کرد در گفتگوهای آتی ایران و ۵+۱ در ژنو این روند ادامه یابد. در ۳۰ آبان ۱۳۹۲، در سمینار معرفی ظرفیت‌های اقتصادی ایران به میزبانی اتاق بازرگانی مشترک ایتالیا و ایران، اعلام شد که شرکت‌های ایتالیایی به ویژه صنایع نفت به بازار ایران نیاز دارند.

رویکرد جدید ایران در پرونده هسته‌ای که با اعلام سیاست «نرمش قهرمانانه» مقام رهبری شروع شده بود با رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده ایران و گروه ۵+۱ در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در شهر یور و مهر ۱۳۹۲ ادامه یافت. پس از مذاکره مستقیم وزرای خارجه ایران و آمریکا و سرانجام گفتگوی تلفنی دو رئیس‌جمهور ایران و آمریکا، فضای جدیدی در مذاکرات هسته‌ای شکل گرفت. دور بعدی مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو در نیمه آبان ۱۳۹۲ برگزار شد. وزیر امور خارجه ایران قبل از شروع مذاکرات با کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار و گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو وزرای خارجه دو کشور ایران و آلمان با یکدیگر دیدار و درخصوص مسایل مورد علاقه طرفین گفتگو کردند. اما مذاکرات ژنو که پس از سه روز گفتگوهای سخت و فشرده و همراهی وزرای خارجه ۵+۱ همراه بود به نتیجه نرسید و مقرر شد طرفین ده روز دیگر مذاکرات را در ژنو از سر گیرند. ظریف پیش از شروع دور سوم گفتگوهای ایران و ۵+۱ در ژنو به دعوت رسمی وزیر امور خارجه ایتالیا به رم سفر و با وی دیدار و درخصوص مسایل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱، ظریف در دیدار با وزیر امور خارجه سوئیس از تلاش‌های دولت سوئیس در برپایی مقدمات گفتگوهای ایران و ۵+۱ تشکر کرد.

این فضای مثبت ایجاد شده نهایتاً در ۳ آذر ۱۳۹۲ منجر به توافق ۶ ماهه ژنو شد. توافقی که اولین گام موثر برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران در طول ۱۰ سال گذشته به حساب می‌آید. مطابق این توافق مقرر شد که ایران توان غنی‌سازی خود را به ۵ درصد کاهش دهد و علاوه بر آن تعداد سانتریفیوژهایش را افزایش ندهد و در مقابل ۱+۵ بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را لغو کند و برخی از دارایی و اموال بلوک شده ایران در بانک‌های خارجی را به این کشور مسترد سازد. براساس توافق ژنو صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری ایران به اتحادیه اروپا آزاد شد.

در اواخر آذر ۱۳۹۲، رئیس اتاق بازرگانی اتریش تصریح کرد که اتریش از برداشتن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بسیار خوشحال است. در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۲، ۴ تن از اعضای پارلمان انگلستان از جمله جک استراو وزیر امور خارجه اسبق انگلستان به تهران سفر و با برخی از مقام‌های ایرانی دیدار و گفتگو کردند. جک استراو بر بهبود روابط انگلیس با ایران و ارتقای سطح آن تاکید کرد.

در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۲، رئیس کمیسیون سیاست خارجی پارلمان ایرلند و اعضای هیات پارلمانی این کشور در سفر به ایران با وزیر امور خارجه دیدار و درخصوص مسایل مورد علاقه دو طرف گفتگو کردند. در اول بهمن ماه ۱۳۹۲، وزرای خارجه ایران و انگلیس در گفتگوی تلفنی در مورد آخرین وضعیت روابط دوجانبه، مذاکرات هسته‌ای و اجرایی کردن برنامه اقدام مشترک بحث و تبادل نظر کردند. در ۷ بهمن ۱۳۹۲، ظریف در دیدار با وزیر میراث و فعالیت‌های فرهنگی و گردشگری ایتالیا بر لزوم گسترش همکاری‌های فرهنگی بین دو کشور تاکید کرد. در نیمه بهمن ماه و در حاشیه پنجاهمین کنفرانس امنیتی مونیخ، وزیر امور خارجه ایران در دیدار با رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس آلمان درخصوص تحولات روابط دوجانبه و همکاری‌های پارلمانی دو کشور بحث و تبادل نظر کردند. همچنین ظریف با لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه نیز دیدار و گفتگو کرد. وزیر خارجه ایران در این دیدار با مرور آخرین تحولات روابط دوجانبه ایران و فرانسه ظرفیت‌های مربوط به همکاری اقتصادی دو کشور را در حوزه‌های مختلف برشمرد. همزمان وزیر امور خارجه سوئد در سفر به تهران با ظریف دیدار و درخصوص روابط فی‌مابین، مناسبات ایران و اتحادیه اروپا و مهم‌ترین تحولات

منطقه و جهان دیدار و گفتگو کرد. در ۱۴ اسفند ۱۳۹۲، وزیر خارجه بلژیک به تهران سفر و با ظریف دیدار و گفتگو کرد. دو طرف در این دیدار درباره توسعه مناسبات دوجانبه و همچنین روابط ایران و اتحادیه اروپایی گفتگو کردند.

در ۱۱ اسفند ۱۳۹۲، وزیر امور خارجه اسپانیا در تهران با ابراز خرسندی از روند به وجود آمده درباره گفتگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ آمادگی کشورش برای گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مورد تاکید قرار داد. در اواخر اسفند ۱۳۹۲، کاترین اشتون به تهران سفر کرد. اشتون با وزیر امور خارجه، رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، ولایتی و جلیلی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی دیدار و گفتگو کرد. (ایسنا، اسفند ۱۳۹۲) در ۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، وزیر امور خارجه اتریش و هیئت پارلمانی فرانسه به تهران سفر و با ظریف دیدار و درخصوص روابط دوجانبه و مسایل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو کردند. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ نیز ظریف در دیدار با رئیس مجلس اسلونی بر گسترش مناسبات دو کشور و همین‌طور ایران و اتحادیه اروپا تاکید کرد. سرانجام مذاکرات ایران و ۵+۱ در تیرماه ۱۳۹۳ منجر به تمدید توافق موقت ژنو شد. (ایرنا، شهریور ۱۳۹۳)

وزیر امور خارجه ایران همچنین با سفیر جدید نروژ، وزیر امور خارجه اسلواکی و سفیر جدید ایتالیا در تهران دیدار و پیرامون توسعه روابط با کشورهای اروپایی گفتگو نمود. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه سال ۹۳ ظریف با وزیر امور خارجه ایتالیا و روحانی با فرانسوا اولاند دیدار و گفتگو کردند. ضمن اینکه دیدار روحانی با دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس پس از حدود ۳۵ سال از دیدار مقامات عالی‌رتبه دو کشور در نوع خود در سازمان ملل اتفاق کم سابقه‌ای بود. ظریف نیز در دیدار با رئیس مجلس ایرلند با اشاره به ظرفیت‌های زیاد دو کشور خواستار افزایش سطح همکاری‌های ایران و ایرلند شد. وزیر امور خارجه با اعضای شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا، سفیر جدید بلژیک در تهران، دومنیک دوویلپن نخست‌وزیر سابق فرانسه و وزیر مشاور در امور فرهنگی پرتغال نیز دیدار و گفتگو کرد. (ایسنا، مهر ۱۳۹۳)

در مجموع، واکنش مقامات اروپایی نشان دهنده استقبال آنها از ریاست جمهوری روحانی

و امیدواری آنها به آغاز دور جدیدی از مناسبات حسنه ایران و اروپا بود. در حقیقت نقش و جایگاه منطقه‌ای ایران و جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه مناسب و همه جانبه به وجود آورده است. اروپا به دنبال ایجاد نظامی چندجانبه گرا در جهان است و لذا جایگاه ژئواستراتژیکی ایران و نفوذ سیاسی و فرهنگی در منطقه و منابع گسترده انرژی، ایجاد کننده روابط مثبت طرفین در آینده می‌باشد. موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت اقتصادی این کشور در دو بعد دسترسی به بازارهای داخلی و همچنین تامین انرژی برای اروپا، نقش آن در تامین امنیت خلیج فارس، اهمیت ایران در روند صلح خاورمیانه و نفوذ سیاسی‌اش در منطقه و نقش مهم ایران در برقراری صلح و ثبات در افغانستان و عراق، نفوذ قابل توجه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مولفه‌های مهمی هستند که جایگاه ایران را نزد اتحادیه اروپا ارتقا می‌دهند.

علاوه بر آن اتحادیه اروپا پس از یازده سپتامبر از نفوذ یکجانبه آمریکا در منطقه ناراضی بوده و تلاش برای احیاء جایگاه خود در منطقه دارد. موقعیت سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی ایران و منابع عظیم نفت و گاز این کشور از نکات قابل توجه اتحادیه اروپا به ایران می‌باشد. علاوه بر اینکه، ایران قوی‌ترین قدرت نظامی منطقه و پرنفوذترین کشور در تحولات فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان محسوب می‌شود. لذا تقویت رابطه با ایران می‌تواند بخش عظیمی از نیازهای اروپا را برای برقراری نظم و امنیت در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس فراهم سازد. به طور کلی ایران می‌تواند از اتحادیه اروپا به عنوان وزنه تعادل در برابر فشارهای آمریکا استفاده کند و اروپا نیز می‌تواند در تعدیل رویکرد افراطی واشنگتن نسبت به ایران تاثیرگذار باشد. در حقیقت استفاده از توانمندی‌های اقتصادی اتحادیه اروپا، بهره‌گیری از نفوذ اروپا در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌های خارجی و تکنولوژی اروپا از دلایل تمایل ایران در توسعه و ارتقای روابط با اتحادیه اروپا در دولت یازدهم است. از سوی دیگر برجام که ماحصل سال‌ها مذاکره میان ایران با قدرت‌های جهانی است به عنوان دستاورد سیاست خارجی اعتدال‌گرایان فصل نوینی در روابط ایران با کشورهای اروپایی بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گشود که توان تاثیرگذاری بر مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی هر دو طرف را افزایش داده و موجب توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با این

کشورها شده است. به عبارت دیگر توافق ژنو نقطه عطفی در صحنه سیاست خارجی ایران به طور عام و در مورد مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران به طور خاص بوده است.

نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد کشورهای اروپایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ علاقمند به برقراری روابط و استفاده از امکانات اقتصادی ایران بوده‌اند. هرچند روابط طرفین فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. پیروزی انقلاب اسلامی، اشغال سفارت آمریکا در تهران و حمایت اروپا از عراق در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هرچند بر روابط طرفین اثر منفی برجای گذاشت، اما مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ایران کم و بیش ادامه یافت. بحران ناشی از صدور فتوای قتل سلمان رشدی و نیز بحران صدور حکم دادگاه میکونوس روابط طرفین را برای مدت زمانی دچار مشکل کرد اما نیازها و منافع مشترک مجدداً آنها را به یکدیگر نزدیک ساخت. دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی اوج مناسبات دوستانه دو طرف بود که با مساله پرونده هسته‌ای ایران دچار نوساناتی شد.

اروپا در مذاکرات هسته‌ای تلاش کرد با محوریت خود قضیه را حل و فصل کند. اما با به قدرت رسیدن اصولگرایان و تغییر استراتژی هسته‌ای ایران مناسبات دو طرف تیره و تار شد. به گونه‌ای که اروپا سرانجام در ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در کنار آمریکا قرار گرفت و شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال نمود.

در این میان با برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران و روی کار آمدن حسن روحانی مرحله جدیدی از مناسبات ایران و اروپا آغاز شد. اروپا از فضای جدید به دست آمده استفاده لازم را برد. فضایی که با شروع دوره جدیدی از مذاکرات هسته‌ای با محوریت اروپا شروع و به توافق ژنو منجر شد. اندکی پس از توافق ژنو هیئت‌های سیاسی و اقتصادی اروپایی وارد ایران شدند تا از شروع مناسبات جدید استفاده لازم را برده و عقب ماندگی هشت سال گذشته خود را جبران نمایند.

نتیجه یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و تغییر فضای گفتمانی در ایران و طرح و پیگیری موضوعاتی چون تنش زدایی، اعتدال، تعامل سازنده با جهان و بازسازی مناسبات ایران

و کشورهای خارجی در سیاست خارجی، چون باعث ایجاد انگاره‌های جدیدی شد با استقبال کشورهای اروپایی روبرو شد.

از طرفی اتحادیه اروپا تحت تاثیر انگیزه‌های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری در ایران، افزایش نفوذ در منطقه، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ و جایگاه ایران، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی به جای یکجانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه و ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در کنار آمریکا به ویژه در پرونده هسته-ای ایران، تلاش کرد تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد.

در مقابل ایران نیز در راستای بهره‌گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین‌الملل، استفاده از قدرت سیاسی و بین‌المللی آن در حل و فصل بحران‌های بین-المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی-های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا در مسایل گوناگون، بهره‌گیری از قدرت سیاسی و اقتصادی آن در مقابل آمریکا و کم‌اثر ساختن فشارهای سیاسی و اقتصادی واشنگتن به ویژه در زمینه پرونده هسته‌ای، می‌تواند روابط خودش را با اروپا گسترش دهد.

بر این اساس و با توجه به نگاه اغلب کشورهای اروپایی به دولت جدید ایران و گفت‌وگوهای اعتدال‌گرایی، اتحادیه اروپا و ایران به برداشت جدیدی مبتنی بر بهبود روابط و همکاری متقابل دست یافته‌اند.

فهرست منابع

کتاب

- اسکندریان، مهدی (۱۳۸۳)، *هویت و رابطه ایران و اتحادیه اروپایی*، کتاب اروپا (۳) ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران
- سعید خالوزاده، توحید افضلی (۱۳۹۰)، *رویکردهای اتحادیه داروپا در قبال اروپا*، کتاب اروپا (۱۰)، گردآوری و تدوین بهزاد احمدی لفورکی، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران
- خالوزاده، سعید (۱۳۹۰)، *نقش آفرینی اتحادیه اروپا در پرونده هسته ای ایران*، کتاب اروپا (۱۰)، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران
- دهقان طرزجانی، محمود (۱۳۷۹)، *روابط خارجی ایران و همسایگان در دهه دوم انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات سروش
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۰)، *سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران*، تهران، انتشارات همشهری
- سجادی‌پور، سید محمد کاظم (۱۳۸۰ الف)، *سرنوشت مهار ایران توسط آمریکا در دوران خاتمی - درس‌هایی برای سیاست خارجی ایران*، "سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران، گردآوری و تدوین: مهدی ذاکریان، تهران، انتشارات همشهری
- علی رحمانی، سعید تائب (۱۳۷۵)، *گفتگوهای ایران و اروپا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه*
- علی اشرف نظری، بهاره سازمند (۱۳۸۷)، *گفتمان و هویت انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲)، *نظریه‌های امنیت*، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران
- علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، *تحریم ایران، شکست یک سیاست*، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۷)، *رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- کامران طارمی، ایرج مرادی (۱۳۹۳)، *بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در سده اخیر*، پژوهشنامه روابط بین‌الملل

- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۹۰)، حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران، کتاب اروپا (۱۰)، گردآوری و تدوین: بهزاد احمدی لفورکی، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران
- مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، چشم انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تامین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حدود و امکانات، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت
- نوازی، بهرام (۱۳۸۱)، گاه شمار سیاست خارجی ایران - از مردادماه ۱۳۶۷ تا خرداد ماه ۱۳۸۰، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۱)، نقش تروریسم در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، کتاب ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم اندازها، جلد ۱، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران

مقالات

- آقاحسینی، علیرضا، (زمستان ۱۳۸۶)، شالوده شکنی منطق درونی سیاست بی‌طرفی ایرانی در جنگ جهانی دوم، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، سال هفتم، شماره ۲۹
- خوشروزاده، جعفر (۱۳۸۵/۵/۱۱)، فوکو و انقلاب اسلامی: رهیافتی پسامدرنیستی از منظر تحلیل گفتمان، نشریه حزب‌الله
- دهشیری، محمدرضا (تابستان ۱۳۸۰)، چرخه آرمانگرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۲
- سجادی‌پور، سید محمد کاظم (زمستان ۱۳۸۰)، ایران و یازده سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴
- سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصل‌نامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره بیست و هشتم
- سنائی، اردشیر (۱۳۸۲)، تنش زدایی در روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا، فصلنامه برداشت دوم، سال اول، شماره ۳
- عباسی اشلقی، مجید (پاییز ۱۳۸۳)، تحلیل امنیت در پارادیم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۳
- (پاییز ۱۳۸۸)، مطالعه نظری سیاست خارجی دو جانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، مجله: علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، شماره ۸

- فلاحی، علی (۱۳۸۰)، سازنده‌گرایی در سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱
- قوام، عبدالعلی، (بهار ۱۳۸۴)، سازه‌انگاری: سنتز پوزیتیویسم و پست پوزیتیویسم، فصلنامه حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، سال اول، شماره ۲
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴
- هوراث، دیوید، (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، فصل‌نامه علوم سیاسی، شماره ۲

خبرگزاری

- احمدرش، رشید، (مرداد ۱۳۸۸)، نگاهی به اندیشه لاکلاو و موفه: دموکراسی رادیکال، ماهنامه رخداد: ۱
- خبرگزاری ایرنا، مهر ۱۳۹۲ و شهریور ۱۳۹۳
- خبرگزاری ایسنا، مرداد ۱۳۹۲ و مهر ۱۳۹۳ و اسفند ۱۳۹۲
- خبرگزاری آفتاب، تیر ۱۳۹۲
- نوروز (۸۱/۴/۱۶)، سال دوم، ش ۳۶۶

پایان نامه

- پوستین‌چی، زهره (سال تحصیلی ۸۳-۸۲)، تحول در فرآیندهای صلح خاورمیانه و گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی

منابع انگلیسی

Book

- Ehteshami, Anoshiravan (1995), **After Khomeini: The Iranian Second Republic**, London, Rutledge
- Henrik, Lersen (1997), **Foreign Policy and Discourse Analysis**, London, routledge
- Howarth, Davi (2000), **Discourse**, Open University, press
- Hunter, Shirin (1991), **Iran and the World: Continuity in a Revolutionary Decade**, Bloomington, and Indiana University Press

- Kile, Shannon N. (2005), **Europe and Iran: Perspectives on Non-Proliferation**, SIPRI, Research Report no.21, Oxford University Press
- Loclou, E and Mouffe, C (1985), **Hegemony And Socialists Strategy; towards a Radical Democratic Politics**, London, verso
- M, Barret, **Ideology, Politics, Hegemony: From Gramsci To Laclau And Moffe**
- Plano,jack (1988),**The International Relations Dictionary**,California, longman

Articles

- Gasiorowski, Mark (Summer 2007), **The New Aggressiveness in Iran's Foreign Policy**, Middle East Policy, vol.x17. no. 2
- Guzzini, Stefano (2000),**A Reconstruction of Constructivism in International Relations**, European Journal of International Relations, vol.6 (2)
- Halliday,T.Fred (Spring1994),**An Elusive Normalization: Western Europe and The Iranian Revolution**, Middle East Journal, vol.48, no.2
- Roundtable on Iran- EU Relations"(Spring 2001), **The Iranian Journal of International Affairs**, vol. xiii, no.1
- Wendt, Alexander (1992), **Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics**, International Organization. Vol. 46, No. 2

Site

- <http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/08/05>

